

Social Effects of “Haram Eating” in Economic and Cultural Aspects from the Perspective of the Holy Qur’an

Hasan Noormohammadi¹
Mohammad Mahdi Firoozmehr²

ABSTRACT

Haram eating and its social consequences, considering the importance of the health and well-being of society in all its dimensions are among the essential and vital issues addressed in the Holy Qur’an and emphasized by the Islamic religion. In today’s society, since there are many harms and threats in social dimensions, the prosperity and health of society and human beings are more important in the context of society. Haram eating and its social effects are important matters that affect happiness and social health, especially in current era. This article discusses the concept of haram eating from the perspective of the Holy Qur’an, and explains its economic and cultural consequences based on divine verses. In this work, the social consequences of haram eating in economic and cultural aspects have been described and analyzed through a descriptive-analytical approach by referring to the Quranic verses and interpretations related to the concept of haram eating.

There are two kinds of haram eating: direct and indirect. Indirect haram eating is possession of things that are not forbidden themselves, but rather because they have no correct and legitimate relation to the one who possesses them, and Sharia does not consider all the ways of their possession to be permissible, so obtaining and consuming them is forbidden indirectly, such as usury, bribery, and underselling.

The results obtained from this research show that the social consequences of haram eating effect society in economic aspects such as corruption of the pillars of Islamic economy, economic oppression, creation of class distance, deprivation of economic security and confidence, and deterring society from economic effort: and finally in the cultural aspect through the challenges such as destroying the culture of donation, the spread of the culture of oppression, and the disappearance of the culture of Qardh al-Hasana.

KEYWORDS: Qur’an, Indirect Haram Eating, Effects and Consequences, Socio-Economic, Socio-Cultural.

1- PhD student, Philosophy of Social Sciences, Baqer Uloom University, Qom, Iran (corresponding author), hasannornor66@gmail.com

2- Assistant Professor, Commentary Department, Research Institute of Qur’anic Culture and Education, Qom, Iran, m.firoozmehr@gmail.com





نوع مقاله: پژوهشی

پیامدهای اجتماعی حرام‌خواری در ابعاد اقتصادی و فرهنگی از منظر آموزه‌های قرآن کریم

حسن نورمحمدی^۱، محمد مهدی فیروز مهر^۲

چکیده

سلامت و سعادت جامعه در تمام ابعاد آن از جمله مسائل مهمی و حیاتی است که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است و مورد تأکید دین اسلام است. در جامعه کنونی با توجه به وجود آسیب‌ها و تهدیدهای مختلف در ابعاد اجتماعی، سعادت و سلامت اجتماع و انسان در بستر جامعه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. حرام‌خواری و آثار اجتماعی آن از جمله موارد مهمی است که سعادت و سلامت اجتماعی و به‌خصوص انسان کنونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقاله حاضر به بررسی مفهوم حرام‌خواری با واسطه از دیدگاه قرآن پرداخته و پیامدهای حرام‌خواری از حیث اقتصادی و فرهنگی آن را با تکیه بر آیات الهی بیان می‌کند. در این اثر با روش اسنادی با مراجعه به آیات قرآن کریم و تفاسیر در ذیل آیات با رویکردی توصیفی - تحلیلی حرام‌خواری و پیامدهای حرام‌خواری اجتماعی تبیین شده است. حرام‌خواری با واسطه تصرف و خوردن چیزهایی است که به‌صورت فی‌نفسه حرمت ذاتی ندارد، اما چون با حرام‌خوار ارتباط صحیح و مشروعی ندارد و شارع همه راه‌های تصرفان را حلال نمی‌داند و بعضی راه‌های کسب و خوردن آن را حرام می‌داند، لذا تصرف و خوردن آن حرام عرضی است؛ مانند ربا، رشوه و کم‌فروشی. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد حرام‌خواری جامعه را در حیث اقتصادی با چالش‌هایی چون فساد ارکان اقتصاد اسلامی، ظلم اقتصادی، ایجاد فاصله طبقاتی، سلب امنیت و اعتماد اقتصادی، بازدارنده از تلاش اقتصادی و در حیث فرهنگی با چالش‌های از بین رفتن فرهنگ انفاق، رواج فرهنگ ستمگری و از بین رفتن



۱- دانشجوی دکتری، فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه باقر العلوم، قم، ایران (نویسنده مسئول)،

hasannormor66@gmail.com

۲- استادیار گروه تفسیر، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، قم، ایران، m.firoozmehr@gmail.com



فرهنگ قرض الحسنه، مواجه و گریبان گیر می‌سازد.

واژگان کلیدی: قرآن، حرام خواری با واسطه، اجتماعی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی.

۱. مقدمه

انسان به صورت طبیعی اولین نیازهای خود را در تأمین خورد و خوراک می‌داند و این امر در اجتماع نیز رخ می‌دهد و در این راستا تلاش می‌کند؛ از این رو، باید دانست که چه خوردن و خوراک‌های در این مسیر، هم نیازهای انسان را رفع می‌کند و هم این که سعادت و سلامت اجتماع او را تأمین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۱۸ - ۱۲۵) از یک سو حرام خواری و آثار اجتماعی از حیث اقتصادی و فرهنگی جز مسائل مهمی است که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است. این توجه و پرداختن قرآن کریم اهمیت و تأثیر این مسئله را در سعادت و سلامت جامعه و افراد آن را آشکار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۶۳۹ و ۶۴۴-۶۴۶). از سویی دیگر با توجه به پیچیدگی امور به خصوص برای انسان کنونی و آگاهی کافی نداشتن به مسئله حرام خواری و توجه نداشتن بر آثار مخرب اقتصادی و فرهنگی و دیده شدن و بروز آثار حرام خواری در جامعه کنونی، ما را بر این داشت که به بررسی حرام خواری و آثار اجتماعی آن بپردازیم؛ به عبارت دیگر حرام خواری و آثار اجتماعی آن از اموری است که گریبان گیر جامعه و افراد آن است و از سویی دیگر مسئله دوری از حرام خواری به خاطر آثار آن از دغدغه‌های اسلام برای سعادت و سلامت جامعه و آحاد امت اسلام است. در این راستا به خاطر نگاشته نشدن اثری تام در ابعاد اجتماعی از حیث اقتصادی و فرهنگی و به تبع نبود آگاهی کافی در این مسئله، ما را بر این داشت که به بررسی حرام خواری و آثار اجتماعی از حیث اقتصادی و فرهنگی آن پرداخت کنیم.

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش و شیوه توصیفی - تحلیلی است. در بخش توصیفی، محقق می‌کوشد آیات مطرح در زمینه حرام خواری عرضی را از بیان قرآن کریم و تفسیرهای مفسران مورد بررسی و جمع‌آوری قرار دهد و همچنین پیامدهای حرام خواری عرضی را که در آیات قرآن کریم مطرح شده یا در بیان مفسران آمده، توصیف می‌کند. سپس ابعاد اقتصادی و فرهنگی هر یک از آنها را روشن سازد. همچنین در این قسمت، محقق دیدگاه قرآن کریم را در رابطه با مفهوم حرام خواری عرضی مشخص می‌سازد. سپس در بخش تحلیلی نیز محقق با توجه به بیان آثار حرام خواری عرضی در آیات قرآن کریم و تفسیر مفسران و جمع‌بندی عبارات

آن‌ها به پیامدهای اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد و می‌کوشد پیامدهای اجتماعی حرام‌خواری عرضی را از منظر قرآن کریم مشخص سازد.

۲. پیشینه بحث

در کتب تفسیری مانند مجمع‌البیان، البرهان، نور الثقلین، المیزان فی تفسیر القرآن و تسنیم در ذیل آیاتی که حرام‌خواری یا واژگان همسو با حرام‌خواری در آن‌ها آمده است، مطالبی در خصوص عنوان حرام‌خواری بیان شده است و در مواردی به بیان اثرهای مختلف آن‌ها اشاره شده است. همچنین در کتب روایی، تعداد زیادی احادیث مربوط به حرام‌خواری بیان شده‌اند و در کتب اخلاقی مانند جامع السعادت و گناهان کبیره نیز مباحث مربوط به حرام‌خواری مورد بررسی قرار گرفته است، اما تحقیق جامعی درباره حرام‌خواری با واسطه و تقسیمات جامع و آثار مختلف آن از حیث اجتماعی صورت نپذیرفته است. در زیر به برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع حرام‌خواری یا عناوینی همسو با حرام‌خواری انجام گردیده اشاره شده و سپس وجه تمایز این مقاله بیان می‌گردد.

۱. محمدجواد نوری همدانی (۱۳۹۳) کتاب «ربا و حرام‌خواری سبک زندگی شیطانی» را به رشته تحریر درآورده است. در این اثر اصالت شرافت انسانی و رابطه انسان با دنیا مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. سپس به بیان عنوان حرام‌خواری پرداخته شده است. محقق در ادامه به بیان کسب حلال و حرام پرداخت است. پس از آن با تمرکز بر روی یک مصداق خاص از حرام‌خواری یعنی ربا به تحلیل ربا در آیات و روایات پرداخته‌اند و در حیطه مفهوم ناظر به کسب حرام بوده است. در ادامه به تبیین آثار دنیوی و اخروی حرام‌خواری ربا اشاره شده است. در این اثر بعد از بیان آثار ربا به راه کارهای مقابله با ربا پرداخته شده و بیشتر تمرکز تحلیل آثار روی روایات برده شده است.

۲. حمید پورعیسی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مال حرام و آسیب‌های اجتماعی» در مجله علمی تخصصی علوم اسلامی انسانی به چاپ رسانده است. در این پژوهش بایان مال حرام و پرداختن به یکی از مصدایق حرام‌خواری یعنی ربا، به آثار و آسیب‌های اجتماعی حرام‌خواری پرداخته شده است، در این پژوهش با محوریت آیات و روایات به آسیب‌شناسی اجتماعی حرام‌خواری پرداخته شده است و رویکردی آسیب‌شناسانه بر یکی از مصدایق اجتماعی روز دارد.

۳. مصطفی همدانی (۱۳۹۳) در مقاله «حرام‌خواری» به بیان معنای حرام‌خواری پرداخته است، حرام‌خواری را در لغت یعنی کسب درآمد از راه‌های غیرشرعی مانند رشوه، نزول، کم‌فروشی معنی کرده‌اند. در ادامه به بیان آثار دنیوی و اخروی

حرام‌خواری پرداخت کرده‌اند و تفکیکی بین پیامدهای مطرح‌شده در ابعاد اجتماعی صورت نگرفته است. پس از آن به راه کارهای پرهیز از حرام‌خواری اشاره شده است. عمده تفاوت پژوهش حاضر نگاه به آثار حرام‌خواری با واسطه است با لحاظ تمامی مصادیق و دلالت‌های اجتماعی حرام‌خواری است و از سویی تفکیک ابعاد آثار اقتصادی و فرهنگی حرام‌خواری را دارا است و دیگر نه ناظر بر جهت مصداق خاص یا معنای عامی از حرام‌خواری است و رویکردی آسیب شناسانه و راه کارهای پرهیز یا مصداق خاصی مانند ربا نیست؛ بلکه ابتدا حرام‌خواری با واسطه تعریف شده سپس به تفکیک آثار اجتماعی حرام‌خواری در ابعاد اقتصادی و فرهنگی تبیین می‌گردد.

۳. مفهوم شناسی

حرام‌خواری: حرام‌خواری در لغت را این‌گونه تعریف کرده‌اند که کسب درآمد از راه‌های غیرشرعی مانند رشوه، ربا، کم‌فروشی و امثال آن؛ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۱۲۰) خوردن در واژه ترکیبی حرام‌خواری، یعنی هرگونه گرفتن و تصرف در مال چه برای پوشاک و تغذیه و چه ازدواج و مسکن و مانند آن و نه فقط صرف غذا و خوراکی باشد، لذا مطلق بودن واژه خوردن به این دلیل است که اولین عملی که بدان مشغول می‌شود، تغذی است سپس رفته‌رفته به حوائج دیگر طبیعی خود از قبیل لباس و مسکن و ازدواج پی می‌برد. این شیوه استعمال مخصوص زبان عربی هم نیست؛ بلکه در سایر زبان‌ها نیز چنین است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۵۱).

حرام‌خواری اصطلاحی همسو با معنای لغوی به معنی مطلق تصرف است؛ خواه به مصرف خوردن و آشامیدن برسد یا به مصرف لباس و مسکن و غیره یا اینکه آن را مصرف نکند؛ ولی آن را به صاحبش نرساند؛ در تمام این موارد گفته می‌شود که حرام‌خواری صورت گرفته است و مال حرام خورده شده است، همچنان که مراد از خوردن مال یتیم و مال ربوی حرام بودن تمام تصرفات است (دستغیب، ۱۳۸۸، ۱: ۳۸۴). نتیجه سخن این که مفهوم حرام‌خواری با واسطه در حیطه تصرف و خوردن چیزهایی که حرمت ذاتی دارد، نیست؛ بلکه فی‌نفسه حلال است؛ لیکن چون با خورنده ارتباط صحیح و مشروعی ندارد، تصرف و خوردن آن حرام است؛ مانند ربا، رشوه و کم‌فروشی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. آثار اجتماعی

ابعاد اقتصادی و فرهنگی از اموری اجتماعی بسیار مهمی است که در کل شاکله دین مبین اسلام به آن پرداخته شده است و در منابع دینی از جمله قرآن کریم تصریح به این ابعاد شده است. ابعاد اقتصادی و فرهنگی از امور اولیه

و ابتدایی که انسان و جامعه به‌طور طبیعی و بالفطره با آن مواجه هستند. این امر در تمام جوامع اسلامی و غیر اسلامی چنان مورد توجه است که سخن از اصل و فرع بودن هریک از ابعاد اقتصادی و فرهنگی جوامع شده است؛ از این رو، به‌طوری که تاریخ و آثار مشهور نشان می‌دهند، انسان پیوسته در حال اجتماع با ابعاد مورد نیاز زندگی می‌کرده است. این آثار حکایت از قدیمی‌ترین عصری دارد که انسان در زمین زندگی و حکمرانی داشته است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۸). بیشتر آیات حرام‌خواری ناظر به آثار ابعاد اجتماعی در ابعاد اقتصادی و فرهنگی و مسائل آن است که ارکان اجتماعی هر جامعه و از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی هستند که با توجه آیات مشکلات جامعه را شناسایی کرده و راهکار مطلوب را ارائه می‌دهد. لذا آثار اجتماعی حرام‌خواری در دو بعد حیاتی و ضروری یعنی اقتصادی و فرهنگی در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) اقتصادی

فساد ارکان اقتصاد اسلامی: عدل و قسط از نمادهایی است که کل شریعت مقدس اسلامی بر پایه آن استوار شده است؛ لذا دین مبین اسلام خود را داعیه‌دار آن می‌داند و یکی از شاخص‌های اصیل دین مبین اسلام عدل است، به‌گونه‌ای که یکی از مسائلی که در علم کلام مورد بحث واقع شد مسئله عدل الهی است که آیا خداوند عادل است یا نه؟ این مسئله خیلی اهمیت پیدا کرده و شاخه‌ها و متفرعات زیاد پیدا کرده؛ دامنه‌اش قهراً به مسئله اصل عدالت اجتماعی نیز کشیده شد (مطهری، ۱۳۶۸، ۴: ۸۱۲).

این رکن یعنی عدالت در دو بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی این که آیا خلقت و تکوین عالم از آسمان و زمین، از جماد و نبات و حیوان، از دنیا و آخرت، بر موازین عدالت و موافق عدالت است و در خلقت و آفرینش به هیچ موجودی ظلم نمی‌شود و این عالم به عدل برپاست؟ یا اینکه خداوند چون اراده و مشیتش مطلق است و هیچ چیز نمی‌تواند اراده او را محدود کند، فعال‌میشاء است. قسمت دیگری مربوط به نظام تشریح است. مربوط به دستورهای دینی است، مربوط به این است که دستورهای الهی که به‌وسیله پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله رسیده و به نام شریعت و قانون اسلامی خوانده می‌شود (همان).

لذا قسط و عدالت ورزی از اموری است که اسلام به برپاداشتن آن بسیار اهتمام دارد، هرچند که آن را در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) هدف میانی بعثت پیامبران برای توده مردم

می‌شمارد و هدف نهایی را در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ اتِّخَاذُ الْمِيزَانِ إِذْ تُتْرَقُونَ فِي الْمَسَارِقِ إِذْ تُسَوِّغُونَ لِلرُّعَاثِ أَنْ يَسْبِقَ أَعْيُنُكُمْ وَأَنْ يُتْرَقَ فِي الْمَوَازِغِ إِذْ تُسَوِّغُونَ لَهَا أَنْ يَلْقَى الصَّاعِدُ أَعْيُنُكُمْ وَأَنْ يَتَخَوَّعَهُ الْكَمَلُ الْأَعْمَى إِذْ تُسَوِّغُونَ لَهَا أَنْ يَلْقَى الصَّاعِدَ أَعْيُنُكُمْ وَأَنْ يَتَخَوَّعَهُ الْكَمَلُ الْأَعْمَى» (ابراهیم: ۱) نورانی کردن مردم دانسته است. به لحاظ همین اهتمام با بیان‌های گوناگون از اُمت خواسته است که برای اقامه آن اقدام کنند؛ مانند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مائده: ۸) آمده، رساترین تعبیر است که می‌تواند عدالت را کاملاً برپا کند و انسان در پرتو آن از مسئولیت‌های مختلف سرفراز بیرون آید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۱۰۸).

طبق بیان فوق عدل و قسط به‌طور ویژه جایگاه خاصی در نظام دینی و معرفتی دارد، لذا عدل و قسط در امور مالی و اقتصادی به‌صورت مهم‌تری مورد تأیید شارع حکیم است؛ لذا قرآن کریم، طبق آیات قبل که در رابطه با بیان اقتصادی جامعه اسلامی است، امر به برقراری عدل و قسط در مسائل مالی می‌کند و به این امر به‌شدت توصیه می‌کند که از عدل و قسط خارج نشوند.

درواقع از یک‌طرف توصیه به ایجاد عدل در امور اقتصادی جامعه می‌کند و از طرف دیگر در امثال آیات زیر به بیان دوری از خروج از عدل و قسط می‌پردازد؛ از این رو بیان می‌کند مُطَقَّفٌ با کم گذاشتن در خرید و فروش از عدل خارج می‌گردد و با طغیان و خروج از عدالت باعث فساد و افساد می‌گردد و تأکید می‌کند بدا به حال کم‌فروشان، زمانی که برای خود پیمانانه پر می‌کنند، نصیب خود را به‌صورت وافی و کامل می‌گیرند؛ لکن زمانی که برای دیگران پیمانانه یا وزن می‌کنند، به‌صورت ناقص و کم می‌گذارند (مطففین: ۱-۳) و در جای دیگر این‌گونه است که و ای قوم من! پیمانانه و ترازو را با دادگری، تمام ببیمایید و چیزهای مردم را به آنان کم ندهید و در زمین تبهکارانه آشوب نورزید (هود: ۸۵). قرآن کریم با صدایی رسا می‌گوید در امور مالی وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید (همان: ۹).

جمع بین دو قاعده کلی که از یک‌طرف به عدل توصیه و امر می‌کند و از طرف دیگر نهی به دوری از نا عدالتی امور اقتصادی می‌کند، بیان این مطلب است که ارکان اقتصاد اسلامی با برقراری عدل و قسط حفظ می‌شود و چنانچه خطیوط کلی اقتصاد اسلامی را، قسط و عدل ترسیم می‌کند که رسم‌کننده همه خطیوط دینی است. از طرف دیگر طغیان و خروج از قسط در امور اقتصادی باعث ویرانی و افساد بنیان‌ها و ارکان اقتصاد اسلامی می‌گردد.

از دیگر موارد حرام خواری با واسطه ربا خواری است که خداوند به حرمت ربا خواری این‌گونه اشاره کرده‌اند: آنان که ربا می‌خورند جز به گونه کسی

که شیطان او را با برخورد، آشفته سرکرده باشد (به انجام کارها) بر نمی‌خیزند؛ این (آشفته سری) از آن‌روست که آنان می‌گویند خرید و فروش هم مانند رباست در حالی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است (بقره: ۲۷۵) در تفسیر آیات ربا بیان شده است که با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است متزلزل و فاسد می‌گردد، در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است.

در مورد فساد ارکان اقتصاد اسلامی در ذیل تحلیل حرمت ربا می‌توان به روایت وارد شده از امام رضا علیه‌السلام اشاره کرد که علت حرمت ربا را فساد در اموال می‌دانند (عروضی، ۱۴۱۵، ۱: ۲۹۲) فساد ارکان اقتصادی از جمله آثاری است که حرام‌خواری اجتماعی است که در بیان مفسران قرآن کریم به آن اشاره شده است. در واقع تحقق فساد با فاصله گرفتن از امر به عدالت، جامعه را در دامان بی‌عدالتی اقتصادی سوق می‌دهد. با وقوع این بی‌عدالتی توسط حرام‌خواری ارکان عدالت اجتماعی ست شده و رفته‌رفته با تحقق حرم‌خواری بی‌عدالتی استوار می‌گردد و ارکان اقتصاد اسلامی که بر عدلت استوار بود، نابود می‌گردد. از این روی با وقوع حرم‌خواری تحقق بی‌عدالتی محقق می‌گردد که فساد ارکان اقتصادی را به همراه دارد. **ظلم اقتصادی:** از دیگر آثار اجتماعی اقتصادی حرام‌خواری، ظلم اقتصادی است. به این اثر حرام‌خواری در متن خود آیات به تصریح اشاره شده است؛ لذا در آیه «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) بیان شده است که شخص رباخوار در صورت رباخواری باعث ظلم می‌گردد و در واقع ربا ظلم در حق مردم است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ۲: ۴۳۳).

در واقع حرام‌خواری‌هایی مانند ربا، چون انضمام ناحق مال دیگران به اموال رباخوار است، ظلم محسوب می‌شود و کاربرد *لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ* به جای «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ بِلا زِيَادَةٍ وَلَا نَقِصَةٍ» می‌فهماند که خوردن مال مردم به صورت کم دادن یا زیاد گرفتن، ظلم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۲: ۵۷۲). حرام‌خواری‌هایی دیگر مانند کم‌فروشی نیز به عنوان نوعی ظلم و بی‌عدالتی در عرصه اقتصادی می‌تواند موجب فساد در جامعه شود و دیگر بخش‌های آن را متأثر سازد. چنانچه در ذیل آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اعراف: ۸۵) با اشاره به واژه *بَخْس* که به معنای ناقص کردن چیزی به صورت ظالمانه است؛ به این مطلب اشاره شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ۸: ۱۸۷).

به حکم عقل و شرع در مقابل عدل ظلم است و اگر در جامعه‌ای عدل جاری نگردد، جای خود را به ظلم می‌دهد و در صورت نبود عدل در ساختارهای اقتصادی جامعه، ظلم جای آن را می‌گیرد. می‌توان عدل و ظلم را به دو کفه ترازو تشبیه کرد که با نبود طرف عدل در کفه ترازو ظلم بالا آمده و خودنمایی می‌کند. همین امر خود بیانگر اثر ظلم اقتصادی حرام خواری است.

ایجاد فاصله طبقاتی: ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه، از دیگر آثار حرام خواری در بُعد اقتصادی است. در تفسیر و تحلیل آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵) آمده است. یکی از علل شادایی و سلامتی انسان، گردش منظم خون در شریان‌های اوست. انباشتگی خون در عضوی از بدن و محرومیت اعضای دیگر از آن، سبب می‌شود هم آن عضو و هم اعضای دیگر، تعادل خود را از دست بدهند و در نظام بدن اختلال ایجاد شود.

گردش نامنظم ثروت در جامعه نیز همانند گردش نامتعادل خون در بدن برای جامعه مشکلات فراوانی را به بار می‌آورد: همان‌گونه که ناهماهنگی در گردش خون، برخی از اعضای بدن را فلج می‌کند، گردش ناهماهنگ ثروت میان مردم نیز زندگی اقشار محروم جامعه را فلج و نظام جامعه را مختل می‌کند و فاصله طبقاتی شدیدی ایجاد می‌گردد (همان، ۱۷: ۳۴۱).

حرام خواری باعث انباشت سرمایه در اختیار طیف خاصی از افراد جامعه می‌گردد و همین امر باعث شکاف و فاصله طبقاتی می‌شود. چنانچه در ذیل آیات حرام خواری مانند ربا بیان شده ربا خواری باعث افزایش فقر می‌گردد و این افزایش در جامعه نمایان می‌شود. این تمرکز ثروت و دارایی در دست عده‌ای خاص باعث محرومیت و فقر بیشتر افراد جامعه می‌گردد. لذا با توجه به شرایط تاریخی هنگامی که آیات مربوط ربا نازل شده است، در آن برهه تاریخی در جزیره عربستان، مکه و مدینه ربا خواری به صورت مضاعف رواج داشته است. با توجه به شواهد تاریخی در عصری که هم‌زمان با نزول احکام الهی در مورد حرمت حرام خواری ربا خواری بوده، جامعه مدینه، مکه و عربستان به این عمل مبتلا بوده‌اند. همین رواج حرام خواری که از طریق ربا خواری محقق شده است باعث به هم خوردن تعادل جامعه شده است و عده‌ای در توانمندی کامل و از طرف دیگر عده‌ای در ناتوانی زندگی می‌کرده‌اند.

همین امر باعث ایجاد یک فاصله طبقاتی میان زحمت‌کشان و اشراف طغیان

گر شده است. به همین روی قرآن کریم با بیان خود از آیات حرام‌خواری به مبارزه با حرام‌خواری می‌پردازد و این بخشی از مبارزات اجتماعی اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۶۵).

از همین روی حرام‌خواری تعادل مالی و اقتصادی را بر هم می‌زند. در جامعه‌ای که حرام‌خواری صورت می‌گیرد توازن اقتصادی بهم‌خورده است. هنگامی که تعادل اقتصادی از بین رفت ثروت‌ها در یکجا جمع می‌گردد. در این ازم پاشیدگی اقتصادی عده‌ای قلیل سود و ثروت‌ها را جمع می‌کنند و در سویی دیگر عده‌ای کثیر نصیبشان فقط زیان اقتصادی است. این روند از سود خواری عده‌ای و زیان خوری عده‌ای دیگر نه فقط در یک جامعه صورت می‌گیرد؛ بلکه در بین جوامع هم این امر محقق می‌گردد که جامعه و کشوری فقیرتر می‌گردد و جامعه و کشوری روزبه‌روز ثروتمندتر می‌گردد که یکی از عوامل آن همین حرام‌خواری است. همین عدم تعادل‌ها که از حرام‌خواری نشئت می‌گیرد باعث تولید فاصله طبقاتی و شکاف‌های عظیم اقتصادی می‌گردد.

سلب امنیت و اعتماد اقتصادی: باید دانست اعتماد، سرمایه‌ی اساسی هر جامعه‌ای است. اگر جامعه‌ای بخواهد به رشد و شکوفایی و تمدن‌سازی برسد، نیازمند اعتماد همه‌گروه‌ها و افراد اجتماعی به یکدیگر است. در جامعه‌ای که کاسب آن با ترازوی عدالت خویش، مقداری از جنس را کم می‌گذارد و از آن می‌دزدد و به مشتری به‌عنوان میزان درست و صحیح تحویل می‌دهد؛ در چنین جامعه‌ای مهم‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد از میان خواهد رفت و موجب سلب امنیت روحی و روانی جامعه می‌شود (پورعیسی، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

در تفسیر آیه «وَيَأْقُومُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود: ۸۵) بیان‌شده، اجتماع و جامعه مدنی که میان افراد و آحاد انسانی شکل می‌گیرد، بنیانش بر پایه‌های دادوستد و مبادله استوار است. این دادوستدها که رکن اجتماع را می‌سازد. از همین روی برای این که این اتصال و مبادله بین آحاد و انواع این اجتماع انسانی ایجاد گردد، نیاز به اخذ و اعطا است؛ لذا اگر اخذ و اعطایی از طرفین صورت نگیرد این اتصال بین افراد برقرار نمی‌گردد. در این اضطرار به ارتباط که در میان افراد اجتماع صورت می‌گیرد تعاون و همکاری محقق می‌گردد. شأن این مجتمع انسانی در این روند تعاون و همکاری این گونه است که هر فردی از دیگری چیزی می‌گیرد تا این که از او چیز دیگری بستاند یا بالعکس چیزی می‌دهد تا آنچه خود به آن نیاز دارد را از شخص مقابل

دریافت کند. در این تعامل دوطرفه هر دو طرف مقابل هم احتیاج خود را رفع می‌کنند و نفعی به دیگری از هم نوع خود می‌رسانند.

در این روند مبادله و تعاملی که صورت می‌گیرد، انواع مختلفی را می‌توان فرض کرد که با آن همان اتصال و ارتباط اجتماع انسانی محقق می‌گردد، اما بارزترین نمونه از این تعامل و مبادله؛ مبادلات مالی است. مبادله مالی به خصوص در معاملات است که در آن روند اجناس طرفین مبادله مشخص و معلوم هستند؛ یعنی با حجم و وزن معین معامله می‌گردند. در این روند که طرفین معامله با وزن و حجم صورت می‌پذیرد، معیار و سنجه مشخصی چون انواع ترازوها وجود دارد و این سنجه‌ها هستند که دو طرفین را در اعتماد کامل به معامله و نفع رساندن به هم در متن جامعه کمک می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۰: ۳۶۳).

از این روی در جامعه آنچه افراد جامعه را در معاملات خود با اعتماد کامل ترغیب به نفع رساندن می‌کند، همین سنجه‌ها است. این ترازوها هستند که در معاملات معیار درستی حجم و وزن را به طرفین منتقل می‌کنند که در عین این که هم نیاز خود را رفع کرده‌اند، نفعی به دیگری رسانده‌اند؛ اما اگر در این میزان و مکیال نقصی صورت بگیرد و خود شخص معامله‌کننده نیز از آن بی‌اطلاع باشد، برنامه‌ریزی شخص در امور زندگانی خود به هم می‌ریزد. نظام رفع نیازهای او مختل می‌گردد و زندگی‌اش از هم می‌پاشد.

این اختلال در نظام زندگی شخص که از طریق خیانت در اندازه‌گیری صورت می‌گیرد از دو سو محقق می‌گردد. نخست آن اجناسی را که تهیه می‌کند و از طرف مقابل خریداری می‌کند. دوم این که مقدار پول و هزینه‌ای که به شخص فروشنده پرداخت می‌کند. از جهت نخست آنچه تهیه کرده دیگر کفاف زندگی او را نمی‌کند و احتیاجات او را به‌طور کامل رفع نمی‌کند و نیازش رفع نمی‌گردد. از جهت دوم این که مبلغ بیشتری پرداخت کرده و در مقابل کالای کمی دریافت کرده است؛ از این رو با این روند هرچه تلاش بیشتر هم بکند و پول زیادی کسب کند باز نمی‌تواند احتیاج‌های خود را رفع کند و در واقع به حسن تدبیر و کارایی خود شک می‌کند. دیگر به درستی نظر و تدبیر خود اعتماد نمی‌کند. اگر این روند از بی‌اعتمادی به تمام افراد جامعه تسری پیدا کند و در کل افراد اجتماع انسانی این بدبینی و نا اعتمادی در معاملات صورت بگیرد، دیگر هیچ انسانی در معاملات خود به دیگری اعتماد نمی‌کند. در پی این روند از بی‌اعتمادی آحاد جامعه به هم دیگر امینت از جامعه زدوده می‌گردد.

این بی‌اعتمادی در معاملات و سلب امنیت بلایی است عمومی که دامن تمام افراد جامعه را در برمی‌گیرد. فرقی بین طالح و صالح نیست. این مشکل عمومی همه را شامل می‌شود و فرقی بین غیر کم‌فروش و کم‌فروش نیست. همین که این بی‌اعتمادی در جامعه دامن گستراند؛ دامن‌گیر همه افراد جامعه می‌گردد و این جامعه بر اساس افساد و نیرنگ اداره می‌گردد؛ لذا خدای تبارک و تعالی در آیه «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء: ۳۵)؛ و هر چه را به پیمانانه یا وزن می‌سنجید تمام پیمایید و کم و گران نفروشید و همه چیز را با ترازوی درست و عادلانه بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۵۷۳) لذا اثر دیگری که برای حرام‌خواری در حیطه اقتصادی اشاره شده است، از بین بردن امنیت و اعتماد فضای اقتصادی جامعه است.

بازدارنده از تلاش اقتصادی: از موارد دیگر آثار حرام‌خواری، بازدارندگی از تلاش اقتصادی است؛ لذا با زوند حرام‌خواری در جامعه، دیگر فضایی برای تلاش و ایجاد کسب‌وکار باقی نمی‌ماند. در توضیح این اثر حرام‌خواری به موارد زیر اشاره می‌گردد:

الف: در مورد اثر بازدارندگی حرام‌خواری از تلاش اقتصادی می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر آیات ربا اشاره کرد. یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام هشام، علت حرام شدن ربا را سؤال کرد، حضرت فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم کار و تلاش را رها می‌کردند و سود پول می‌گرفتند. خداوند ربا را حرام کرد تا اینکه مردم سراغ کار و تلاش و معاملات سالم بروند و از حرام به حلال روی آورند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۱۲: ۴۲۴).

ب: مورد دیگری که در ذیل تفسیر آیات قمار به آن اشاره شده، این گونه است. افرادی که قماربازی می‌کنند، گاهی هنگام با برنده شدن پول کلانی به دست می‌آورند و در این به دست آوردن پول کلان بدون هیچ زحمتی و بدون تلاش و سعی مبالغه‌زایی به دست می‌آورند. در این به دست آوردن که گاهی صورت می‌گیرد شخص دیگر خود را در سعی و تلاش نمی‌اندازد تا کارهای اقتصادی و تولیدی بکند و نیازهای خود را رفع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۱۲۸) در این روند که راحت‌طلبی بر اشخاص مستولی می‌گردد نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که چرخ‌های اقتصاد و تولید لنگ می‌گردد و روحیه تلاش و کار در جامع رخت می‌بندد. اگر دقت شود همین افرادی که قمارباز هستند

و به سودهای لحظه‌ای ادواری دل‌بسته‌اند، خود را سربار جامعه می‌کنند و هم مانع چرخش چرخ‌های اقتصادی جامعه می‌شوند و هم باری مضاعف بر آن حمل می‌کنند و مانع از حرکت نیز می‌شوند. این افراد نه سودی به اجتماع می‌رسانند و نیازی از جامعه و اجتماع انسانی را رفع می‌کنند.

ب) آثار فرهنگی

ازبین بردن فرهنگ انفاق: از ابعاد دیگر آثار حرام خواری، اثر فرهنگی است. قرآن کریم به‌عنوان یکی از منابع دین، به ارائه فرهنگ اسلامی در زمینه‌های مختلف می‌پردازد و با تبیین این نکات، مواردی را که ازبین برنده فرهنگ مدنظر هست، ارائه می‌دهد؛ لذا شکی وجود ندارد که فرهنگ انفاق در راه الهی مسیری است که از طریق آن تقرب به ذات خدا حاصل می‌شود. مردم نیز زمانی که می‌خواهند به بزرگان و پادشاهان نزدیک شوند و مقرب درگاه آن‌ها شوند، از نیکوترین دارایی‌های خود به‌عنوان هدیه و تحفه به آن شخصیت‌های بزرگ می‌دهند و حال آنکه آن‌ها نیز انسان‌هایی چون خودشان هستند. در هر حال فرهنگ انفاق که در قرآن آمده است باید در جامعه اسلامی احیا گردد و در راه تحقق این فرهنگ نیکوترین راه را باید برای تحققش انتخاب کرد (همان، ۲: ۳۳۵)؛ بنابراین انفاق یکی از مصادیق فرهنگ جامعه قرآنی است در مقابل حرام خواری در تضاد با این فرهنگ است و ازبین برنده فرهنگ قرآنی انفاق است.

در آیات حرام خواری به خاطر همین تضاد و تقابل است که «به دنبال بحث درباره انفاق در راه خدا و بذل مال برای حمایت از نیازمندان، در آیات ربا از مسئله رباخواری که درست بر ضد انفاق است، سخن می‌گوید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۴۰۹ - ۴۰۸) این خود نشانگر بر تضاد این دو فرهنگ است که حرام خواری در تلاش ازبین بردن فرهنگ انفاق در جامعه و ایجاد روحیه و فرهنگ حرام خواری ربا است و قرآن با بیان انفاق به مقابله با آن برخاسته است.

تقابلی که میان تضاد بین حرام خواری و انفاق در آیات الهی بیان شده نشانگر این مطلب است که هرکدام در جایگاه خود در تلاش برای ازبین بردن طرف دیگر خود دارد. در جامعه‌ای که فرهنگ انفاق توسعه یابد حرام خواری مانند ربا کم‌رنگ می‌گردد و دیگر نیازمندان و کسانی که نیاز مالی شدید دارند دیگر سراغ رباخواری برای رفع نیاز خود نمی‌روند؛ ولی اگر انفاق کم‌رنگ‌تر شود آحاد جامعه انسانی برای رفع و دفع نیاز خود دچار حرام خواری می‌گردند.

در این روند و تقابل که قرآن کریم به انفاق و رباخواری به تصویر می کشد جایگاه تضاد فرهنگی دو مقوله را تبیین می کند که ترویج حرام خواری و تحقق آن در جامعه باعث از بین رفتن فرهنگ قرآنی انفاق می گردد و مردم را به سوی حرام خواری سوق می دهد و از آن فرهنگ انفاق و کمک به هم دیگر دور می کند.

رواج فرهنگ ستمگری: رواج فرهنگ ستمگری از دیگر آثار فرهنگی حرام خواری است که با تحقق حرام خواری ستمگری گسترش می یابد. قرآن کریم به صورت صریح اعلام تعاون و همکاری را در جامعه اعلام می کند و در مقابل همین فرهنگ به دوری از همیاری بر ظلم و ستم تأکید می کند (مائده: ۲)، اما به صورت خاص نیز به دوری از فرهنگ ظلم و ستمگری تأکید کرده است و باید بترسند از مکافات عمل خود کسانی که اگر کودکان ناتوان از خود باقی می گذارند بر آینده آنان بیم دارند، پس باید از خدا بترسند و در حق ایتام مردم سخن به اصلاح و درستی گویند (نساء: ۹) آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می خورند، در حقیقت آن ها در شکم خود آتش جهنم فرومی برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد (همان: ۱۰).

قرآن کریم برای بیان آثار و پیامدهای کارهای انسان در اجتماع به یک حقیقتی اشاره می کند که مردم در امور اجتماعی خود از آن غافل هستند. در این آیات قرآن کریم با خطاب و برانگیختن عواطف انسانی مردم در قبال رفتار با یتیمان درصدد توجه دادن به این حقیقت است. حقیقت امور انسانی این گونه است، با بازماندگان و یتیمان دیگران آن گونه رفتار کنید که دوست دارید با یتیمان شما نیز همان رفتار کنند. در واقع با بیان یک قاعده کلی که هر چه در مورد خود و بازماندگان خود دست دارید یا از آن اکراه دارید، همان را در مورد دیگران نیز اجرا کنید.

در جامعه ای که با یتیمان و کودکانی که تحت سرپرستی خود گرفته اید، به سنگدلی و خیانت در اموالشان برخورد نکنید. از ناراحتی آن ها ناراحت شوید و از خوشحالی آن ها خوشحال شوید. در واقع این یک تبیینی از جهت گیری جامعه در مورد برخورد با یتیمان است که اگر دوست ندارید که در آینده با فرزندان شما نیز این رویکرد رخ ندهد به خوبی رفتار کنید و اگر بیم آن دارید که در این روند همان خیانت ها و سنگدلی ها در مورد بازماندگان شما رخ ندهد به یتیمان به نیکی برخورد کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۷۸) در واقع اگر ترویج کننده ستمگری و خیانت باشید این روند در آینده نه زیاد نزدیک دامان بازماندگان خودتان را خواهد گرفت یا این که بیم آن در دل شما هراس خواهد انداخت.

لازم است ذکر شود این حقیقت علاقه به فرزند و نوه و خواستن آسایش آن‌ها و انزجار از رنج آنان فطری است. قرآن حکیم با توجه دادن به این اصل فطری هشدار می‌دهد که اگر کسی در وصیت، توزیع میراث یا حالت‌های دیگر به نحوی به یتیم بی‌پناه ستم روا داشت، فرزندان به‌جامانده وی نیز مشمول چنین ظلم نابجایی خواهند بود و آن ترس احتمالی از سرنوشت تلخ نسل آینده به هراس فعلی و قطعی بدل خواهد شد. ترس مزبور عقلایی است؛ از این رو خداوند سبحان آن را امضا کرده است؛ یعنی باید بترسند، چون در بسیاری از مردم، انذار بیش از تشبیر اثر دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۷: ۴۳۴).

با توجه به پرداختن آیات قرآن کریم بر برانگیختن عواطف انسانی در مورد برخورد و ظلم به یتیمان و توجه دادن با اشاره به انزجار فطری انسان‌ها از آزار و اذیت اولاد خود، این مهم روشن می‌شود که یکی دیگر از آثار حرام خواری رواج فرهنگ ستمگری است. در واقع امور اجتماعی به‌صورت یک فرهنگ و سنت از نسل امروز به نسل فردا و چه‌بسا از امروز کنونی به فرداها منتقل می‌گردد. کسانی که سنت و فرهنگ ظالمانه‌ای را رواج می‌دهند و از بسط دهندگان این رویه و سنت هستند. ستمگری در حق یتیمان و آزار آن‌ها از جمله این سنت‌ها است. اینان در حقیقت با این کار خود از عاملان اصلی این ستمگری در حق فرزندان خود در آینده هستند و به‌واقع مسیر ستمگری در حق اولاد و فرزندان خود را هموار می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۷۹).

در مورد رواج فرهنگ ستمگری که از آثار حرام‌خوری است، می‌توان به روایات وارده در تفسیر آیات فوق نیز اشاره کرد که به بیان اثر فوق پرداخته‌اند. در مورد ظلم حرام‌خوار بر فرزندان خود از امام صادق (ع) نقل شده است: اگر کسی مال یتیمی را به ظلم بخورد، خداوند بر فرزندانش کسانی را مسلط می‌کند که همان ظلم را بر آن‌ها روا می‌کنند. امام صادق علیه‌السلام در استناد کلام خود به آیه «وَلِيخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافاً خَافُوا عَلَیْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً»^۱ (نساء: ۹) اشاره کرده‌اند.

از بین بردن فرهنگ قرض الحسنه: از دیگر موارد آثار حرام خواری در بعد فرهنگی، می‌توان به از بین بردن و کم‌رنگ کردن فرهنگ قرض الحسنه اشاره کرد. یکی دیگر از آثار اجتماعی حرام خواری این است که دیگر

۱- کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! (مخالفت) خدا پرهیزند و سخنی استوار بگویند.

افراد جامعه سوی قرض الحسنه مشتاق نمی‌شوند، حال آنکه دین مقدس اسلام، مسلمانان را به پرداخت صدقه‌های مستحبی بسیار سفارش کرده و درعین حال برای تشویق آنان به قرض الحسنه، پاداش قرض الحسنه را از انفاق و صدقه‌های مستحبی برتر دانسته است؛ اول اینکه قرض غالباً به دست نیازمند می‌رسد. دوم اینکه شخصیت گیرنده محفوظ می‌ماند و تحقیر نمی‌شود. سوم اینکه برای پرداخت آن کار و تلاش بیشتر می‌کند. چهارم اینکه اصل مال می‌ماند و با آن می‌توان از طریق قرض الحسنه مشکل افراد درمانده را مرتفع کرد. پنجم اینکه در قرض دادن برکاتی چون پاداش کمک به انسان نیازمند، کمک به خوبی‌ها، قضای حاجت و رفع گرفتاری مؤمن نهفته است.

اسلام کسانی را که امکانات و توانایی دادن قرض الحسنه را دارند و نمی‌دهند، بسیار نکوهش نموده است. باوجود چنین ارزشی که اسلام برای قرض الحسنه قائل شده، ربا این روحیه را در افراد کم‌رنگ می‌کند و بدین جهت، اسلام شدیداً با ربا مبارزه کرده است.

در همین راستا که حرام‌خواری فرهنگ قرض الحسنه را از بین می‌برد، می‌توان به روایتی از امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیات ربا اشاره کرد که می‌فرماید: خداوند ربا را حرام کرد تا قرض الحسنه از بین نرود (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۰: ۲۸۰) شایان ذکر است، مشابه همین بیان در کلام امام رضا علیه‌السلام در مورد قرض الحسنه و رابطه آن با ربا وارد شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۱: ۲۹۲). برای رفع نیاز مالی افراد جامعه قرآن کریم قرض الحسنه را ترویج می‌کند و برای همین کار به مقابله با راهکارهایی می‌پردازد که فرهنگ را از بین می‌برد. حرام‌خواری نیز از همین اموری است که راه رفع حاجات میان انسان‌ها در جامعه از طریق قرض الحسنه مسدود و متروک می‌کند. هرچه راه رفع این نیاز از طریق حرام‌خواری گرفته شود، فرهنگ قرض الحسنه کم‌رنگ‌تر می‌گردد و از همین رو است که در علت و حکمت حرمت حرام‌خواری ربا به از بین برنده سنت و فرهنگ قرض الحسنه اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

سلامت و سعادت انسان و جامعه انسانی ازجمله مسائل و دغدغه‌های مهمی است که در دین اسلام به آن پرداخته شده است. حرام‌خواری اجتماعی یکی از مواردی است که این سعادت و سلامت را مورد تهدید قرار می‌دهد و انسان و اجتماع را

در ابعاد اقتصادی و فرهنگی، از جایگاه مطلوب و مدنظر اسلام دور می‌گرداند. حرام‌خواری و آثار اجتماعی در ابعاد اقتصادی و فرهنگی از جمله مواردی است که با شناخت و دانستن آثار آن سلامت و سعادت جامعه اسلامی را از انحراف و تهدید در امان می‌دارد. حرام‌خواری به معنی مطلق تصرف است، خواه به مصرف خوردن و آشامیدن برسد یا به مصرف لباس و مسکن یا اینکه آن را مصرف نکند؛ ولی آن را به صاحبش نرساند؛ در تمام این موارد گفته می‌شود که حرام‌خواری صورت گرفته است و مال حرام خورده شده است، همچنان که مراد از خوردن مال یتیم و مال ربوی حرام بودن تمام تصرفات است. در حرام‌خواری با واسطه سخن در خوردن چیزهایی است که حرمت ذاتی ندارد، بلکه فی نفسه حلال است؛ لیکن چون با خورنده ارتباط صحیح و مشروعی ندارد، تصرف و خوردن آن حرام است و شارع مقدس همه راه کارهای تصرف را حلال نمی‌داند و بعضی از تصرفات آن را حرام می‌داند. این تصرفات موجب انحراف و تهدید سلامت و سعادت جامعه اسلامی می‌گردد. آگاهی از حرام‌خواری با واسطه و آثار اجتماعی آن راه کاری برای اطلاع و جلوگیری از بروز انحراف‌های است که سعادت و سلامت انسان و جامعه اسلامی را تهدید می‌کند. در بستر اجتماعی آنچه مهم و کلیدی است ابعاد اقتصادی و فرهنگی است که در قرآن کریم به آثار مخرب حرام‌خواری در این زمینه پرداخته است. با بروز حرام‌خواری اجتماعی در ابعاد اقتصادی، جامعه اسلامی با فساد ارکان اقتصاد اسلامی، ظلم اقتصادی، ایجاد فاصله طبقاتی، سلب امنیت و اعتماد اقتصادی و بازدارنده از تلاش اقتصادی مواجه می‌گردد و سلامت و سعادت جامعه اسلامی از بین می‌رود و با بروز حرام‌خواری اجتماعی در بعد فرهنگی، جامعه مبتلا به از بین رفتن فرهنگ قرآنی انفاق و رواج فرهنگ ستمگری و از بین رفتن فرهنگ قرض الحسنه می‌گردد.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم.

- ۱- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، محقق و مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم، بیروت - لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
- ۲- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، محقق و مصحح: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *تسنیم*، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۴- پورعیسی، حمید، (۱۳۹۵)، *مال حرام و آسیب‌های اجتماعی*، بی‌جا، ماهنامه علوم انسانی اسلامی.
- ۵- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *گناهان کبیره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه.
- ۷- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۷) *اصول فلسفه رئالیسم*، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
- ۸- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۹- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۷)، *روابط اجتماعی در اسلام*، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
- ۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، محقق و مصحح: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- ۱۱- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، محققو مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، محقق و مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- ۱۳- قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۴- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *اصل عدل در اسلام*، چاپ ششم، تهران، صدرا.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۶- نوری همدانی، محمدجواد، (۱۳۹۳)، *ریا و حرام‌خواری سبک زندگی شیطانیه*، قم، انتشارات برگ فردوس.

REFERENCES

*The Holy Quran.

1. Al-Raghib al-Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412 A.H.), Mufradat Alfaz al-Quran, researcher and corrector: Safwan Adnan Davoudi, 1st edition, Lebanon - Syria, Dar al-Ilm – Al-Dar al-Shamiya.
2. Arousi Huwaizi, Abd Ali bin Juma, (1415 AH), Tafsir Nour al-Saqalain, researcher and proofreader: Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, 4th edition, Qom, Ismailian publications.
3. Dastghaib, Abdul Hossein (1388), Great Sins, Qom, Islamic Publications Office.
4. Dekhoda, Ali Akbar (1377), Dekhoda Dictionary, 2nd edition, Tehran, Rozaneh Publications. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1387) Principles of Realism Philosophy, 2nd edition, Qom, Boṣṭān Kitāb.
5. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410), Kitab al-Ain, researcher and proofreader: Dr. Mahdi Makhzoumi and Dr. Ibrahim Samerraei, 2nd edition, Qom, Hijrat Publishing.
6. Ibn Manzour, Abul Fazl Jamaluddin Muhammad bin Mukatram (1414 AH), Lisan al-Arab, researcher and proofreader: Ahmad Faris Sahibul Jawaib, 3rd edition, Beirut - Lebanon, Dar al-Fikr.
7. Javadi Amoli, Abdullah, (1389), Tasnim, 1st edition, Qom, Isra Publishing Center.
8. Makarem Shirazi, Nasir, (1374), Tafsir Nomooneh, 1st edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
9. Motahari, Morteza (1380), The Principle of Justice in Islam, 6th edition, Tehran, Sadra.
10. Nouri Hamedani, Mohammad Javad, (1393), Usury and Haram Eating of the Satanic Lifestyle, Qom, Barg Ferdous Publications.
11. Pour Isa, Hamid, (1395), Haram wealth and social harms, [n.p.], Islamic Humanities Monthly.
12. Qureshi, Seyyed Ali Akbar, (1412 AH), Qamoos Qur'an, 6th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
13. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, researcher and corrector: Mohammad Javad Balaghi, 3rd edition, Tehran, Naser Khosro Publications.
14. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, translator: Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, 5th edition, Qom, Qom Seminary Islamic Publication Office.
15. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1387), Social Relations in Islam, 1st edition, Qom, Boṣṭān Kitāb.